

اختصار

۱۲۹۲

مطبعه و اداره خانه درخان والده دروازه
نقصه است

مکتوبی که برای درج کازت با اداره داده
شده و طبع نشود بهمانش روز نخواهد شد

مکتوبی که اجرت پوست آن داده نشده
ست از جانب اداره قبول نخواهد شد

مکتوب سالیانه شصت مجیدیه سفید
شش ماه چهار مجیدیه سفید
یک نسخه ۵۰ پاره رایج است
اجرت پوست سالیانه در دوازده ماه و برای
خارج شش مجیدیه سفید افزوده خواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزه
طبع و نشر خواهد شد

این کازت از حوادث کوناگون و از سیاست و پوینیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت سرکنه مواد مفیده عامه بمانا مکتوب و طبع خواهد شد
از اعلانی که در ضمن حوادث نوشته شود به سطره غرضش از اعلانی است

توانگری

هر ملک و مملکتی را توانگری نخستین اسباب معاد و نیک بخشی است . توانگری اساس همه دراختیارها و اختیارهای انسانها و جمعیتها انسانها است . مفاخر و مکرمات هر قوم بتوانگری حاصل شود . اعلی و محاسن هر ملکی بتوانگری دست دهد . همی علوم و معارف بتوانگری شود . اسباب تأمین حال و استقبال بتوانگری فراهم گردد . نافع و فواید عمومی را بواسطه توانگری میتوان جمع کرد . مکاره و بدیها را مطلقا بتوانگری می توان از خود دور ساخت .

لحال به بینیم توانگری چیست ؟ توانگری پول است ؟ نه هرگز پول توانگری نیست هیچ عاقلی نتواند گفت پولداری توانگری است . توانگری که ثروت و سامان هم گفته میشود تنها نفعها و وسیلهای آنهاست حاصل این نفعها و وسیلهها که بحکم کرد . بمقام مبادله و معاوضه میرسد بعلت اینکه محتاج بآن هستند . مبادله دادن و عوض گرفتن لازم دارند . باید حاصل سمیها را بامدیگر عوض کنند . تا آنکه کلیات احتیاجات هم دیگر را نمایند . اینست که آورده اند پول و مانند آنرا اسباب معاوضه زحمتها و سعیها قرار داده اند . و اگر پول کس را بر سر نمی تواند کرد نشنوا سراب نتواند غود . نه از کرما انظارا حفظ تواند کرد . و نفعد سرما بواسطه او نتواند شد . اگر قطع نظر از اسباب مبادله بودن نمایم . پول و مانند آنها با سکنهایی که در کوچها و صحراها ریخته است هیچ فرقی ندارد .

اساس توانگری پول نیست . انسانها بطوریکه بطور عام است باید در یکجا جمع شده زندگانی نمایند . و هر کدای یک کاری مشغول شده . و حاصل آن کار را صرف احتیاجات خود و ایانی جنس نمود نمایند یکی باید بزکری کرده کنندم بکار دیگری آسپایان باشند . دیگری ناوا بشود . و جوی هم اسباب راه افتادن اینها را فراهم بیاورند . یکی چنکری نموده اسباب و آلات لازمه درامور تعیش را بسازد . زارع دیگری ببله بکار دیگری بربد . یکی باید یکی بدوزد تا آنکه مانان بخوریم بارخت بپوشیم و از این قرار تا برسم بکارهای بالاتر و اسباب تحیمها و مفرتها و نازک کاریها که درامور تمدن

و وطن داریم . و از اینها هم بالاتر رفته برسم باوضاع آبادی ملک و مملکت داری و هنگامهایی که انسانها نوعا و اشخاصا برای خودشان ترتیب داده اند .

باری مطلب را دوباره مطالعه کنیم که درست معلوم بشود . بزرگتر کنیم را که میگرد کنیم تنها کفایت همه ما بختاج اورا نمی کند گرفتن که آرا توانست بمقام نان شدن بیاورد . لکن نمی تواند آنرا بیوشد . و از کرما و سرما خود را حفظ کند . احتیاجات دیگر خود و عیال و اولاد خود را با کسندم تنها نمی تواند کرد . باید از این کسندم بقدر لزوم خود ننگاه داشته باقی در احتیاجات خود و کسان خود صرف کند . حال چه طور صرف کند ؟ میخواهد لباس برای خود و عیال و اطفال خود بکند بزاری که در چارسوی حرم نشسته است یکمن کسندم نمیکند که بخت ذرع کر باس باو بدهد بجهه آنکه کسندم لازم ندارد . از آن طرف این بزرگ کلا و آهن باید بکسند مر داهتر هم کسندم بکارش نمیشود که دهم کسندم گرفته یک کلا و آهن باو بدهد .

همچنین بزار که میخواهد نان بکند نمی تواند یک کره زری مشغول بیاورد هم که یک قدری بمن نان بدهد . استاد اهنگر پیل و ناک اندازا نمی تواند بقتصاب داده کوشش بکند بجهه اینکه هیچ وقتی این کارها وفق نتواند داد . و باینطور هر کار مبادله حاصل سمیها و رفع احتیاجات در میان بنوع صورت نتواند گرفت .

و الحاصل برای آسان کردن این کارها و تسهیل عمل در مبادله حاصل سمیها این تقود را قرار داده . و بجهه آنهم در این جزء زمان اوضاعی دیگر فراهم آورده اند که حالا کار را بکافذ بازی رسانیده و چند مساوی مقدار پولی که در روی زمین هست کاغذها و سندها با ساسی مختلفه قرار داده و در میان مردم استعمال آنها را متداول نموده اند . کدیان این جهت مطلب هم حالا منظور نیست . پس باید درست ملاحظه کرده و بفهمیم که ما را لازم است اساس ثروت یعنی توانگری را بدست آورده همه چیز را مالک باشیم . بعد از آنکه مامتاع و مالهها داشته باشیم و مردم هم احتیاج داشته باشند . بالطبع ناچار از این خواهند بود که اسباب مبادله ها را یعنی این پول و مانند آنرا کدداشتن آنها را توانگری

و پولداری گفته میشود بیاورد و بماندند و این متاعها را با کال امتنان و شکر کداری از ما بکینند .

بعد از آنکه این اساس ثروت و توانگری را مالک شدیم همه چیز را دارا شده و خزانه توانگری را جسته ایم . و حال آنکه اگر این اساس در دست ما نباشد و پولی از جایی بدست مانتاید مانند مال میراثی چند روزی آن وجه را صرف کرده باز بهمان حالت کدائی و احتیاج باقی خواهیم ماند .

اکثر اهالی اروپا با همه دوری و محرومی که از اراضی معتدله و مینه دارند . و هواهای مرطبه بطوری که قطعات شرقی را هست مالک نیستند . و وسعت اراضی بقدر کفایت نفوس و وجعت موجوده ندارند . بر حسب اقتضای احتیاجات خودشان هر گونه اسباب ثروت و توانگری فراهم آورده و روز بروز بر آن میافزایند . در اکثر ممالک اروپا اگر یک زرع زمین خالی بی مصرف بخواهی پیدا بکنی نتواند بود . روی سنگها و کوهها دستی خاک ریخته زراعت میکنند اسباب زراعت و ذوق زراعت را چه طور بالارده اند بقوت علم و حکمت طبیعه و ما کرا تعمیر و احیا کرده اند . و داد مدنیته را داده اند . و از طرف دیگر در علوم و فنون دیگر و صنایع و هنرهای کسندیدن آنها مارا بمقام تعجب و حیرت میآورد . کار را بدرجه رسانیده اند که در اطراف عالم متاعهای خودشان را خرج میکنند . و اسباب مبادله را جمع کرده باز آبادی مملکت و زباد کردن توانگری خودشان صرف میکنند .

پولها را در دیر خاک نمی گذارند . و مانند موشها عاشق جال پول هم نیستند . پول را بجهه زیاد کردن آبادی و رفاه حال خودشان و ایانی جنس خودشان میخواهند . و اینکه کاغذها قرار داده اند فرعی از این اصل است که پول در میان مردم کار کنند و او خود هم از ثروت و توانگری نیفتد .

پول را بحسب کردن بقاعده عقل راست نمی آید . تا دوس اعظم اسلام چرا استعمال اوائی طلا و نقره را منع فرمودند ؟ غیر از این حکمتی ندارد که این یکی اسباب زندگانی و رفاه حال بندگان خدا است .

بالجمعه دولت فرانسه بزور این توانگری یعنی از حاصل سعیها و هیزها و عللها و صنایع خودشان بیکهزار کرور تومان مصارف جنگ دولت بروسبارا داد و این سخن در کوش ماها که درست از وضع کار خبردار نیستیم بشوخی جل تواند شد و دولت فرانسه بعد از دادن این پول و دیدن اتمه خسارتهای بی حساب باز در اندک زمانی بزور صنعت و هیزکار بدرجه اولی رسید اعتقاد خودمان این است که ماها ببنی اهالی مشرق زمین از هر جهتی یعنی اسناد داد و کادها و غیره بالاتر از اهالی اروپا هستیم . آب و هوای ممالک ما هم علم و حکمت و صنعت و هیز را بهر از همهجا تربیت میکند . درین موقع چها میگوئیم و چگونه لاف میزنیم و خود غائبانیا متغایم معلوم است . حال بیاید انصاف بدیم و خودمان در پیش خود محاکمه این کار را کرده و قدری خجالت بکشیم سهل است بر حال خود کویه کنیم .

آری اگر بدین ماک این کارها را تصور کنیم . آتی نباید خود را آسوده و فارغ بداریم و البته فکری برای عاقبت کار خودمان و اخلاف و بازماندهگان خودمان و عوم انشی وطن و برادران خودمان خواهیم کرد .

آیا این کار بر ما لازم نیست ؟ آیا این کار از متعانت است ؟ فرنگها اولاد خود عقل اول هستند و ما را تا پسری برای خود گرفته است ؟ زمینهای ما مقابل نیست ؟ و هر گونه زراعت و تجارت و حرف و صنعت را پیش توانیم برد ؟ برای جل و نقل اتمه خودمان در داخله و خارجه راهها و اسباب نقلیه و شند و فرها و غیره و غیره نمی توانیم درست کرد ؟ این خاک نازنین را که داریم رنگ بهشت برین نمی توانیم غود ؟ این مردهای صحرا و بیابانها را زنده نمی توانیم داشت .

آری همه اینها را توانیم کرد و بهتر از همه هم توانیم کرد . لکن بعد از آنکه قدری حقیقت کار را فهمیده و بدانیم که تکلیف ما عوما منحصر باین نیست که هزار لیت و لعل خود کشتهای چهار پول بکجا برای خودمان تنه فراهم بیاوریم و اینها را اسباب افتخار در میان ایانی جنس بدانیم و ایشانرا که شرفا و منفعة بامان بکند هستند بچشم حقارت ببینیم . و نیز باید بدانیم که مادر تحصیل توانگری خود و اخلاف

خودمان و توانگری همشهریهای خودمان بطورهای دائمی يك تكلیف بسیار بزرگ هم داریم و هرگونه افتخار و شرفی که بتوانیم داشت جز بایقهای آن تكلیف نتواند بود .

✽ اخبار تلگرافی ✽

(فرانسه)

پاریس ۷ مارس

از اعضای مجلس سنا و مجلس تنظیلات آنها که هواخواهان جمهوری هستند . امروز جمع شده و قرار دادند که هر هیئت و کلابی دولت از جانب داران جمهوری معین نشوند و او را تصدیق نکنند .

داود پاشا در پاریس وفات کرد .

(انگلیس)

لندن ۷ مارس

مسیو دیسراولی در پارلمان بیان نمود که اگر خدیویت جلیله مصر خواست نماید . دولت انگلیس قبول خواهد کرد . که ما مورخ مخصوص مصر فرستاده و در خدمت خدیویت يك قسم از مالیات مصر را مخصوص بفاصله و نمای دیون حکومت مصر دارد و این کار را در عهده گیرد .

جناب دولت نادیفورغ و دوشس زوجة ایشان بسمت پتر بورغ عزیمت کردند .

ایتالیا

روما ۷ مارس

مسیو (یانکری) که سابقا رئیس پارلمان بودند باز برایست پارلمان انتخاب کرده شدند . مسیو یانکری هواخواه حکومت حالیه است .

(اسپانیا)

مادرید ایضا

بعضی استدعا نامه ها بحکومت داده شده است که قاعده فو روس (۲) لغو و ابطال شود و در خصوص اتحاد مذهب قرار داده آید .

(رومانی)

اتریش - مجارستان

وین ۷ مارس

پورس سست است فینات اسهام تنزل کرد . مأموریت مسیور دیک موافق دخواه حکومت نیجه خواهد بخشید .

(۲) فو روس در مملکت اسپانیا عبارت از بعضی امتیازات است که در بعض ولایتهای اسپانیا جاری است و در خصوص بدل سر باز و بعض مالیات اشخاص معاف شده اند که همین فقره امتیازات نیجه اینکه عدم تعادل در مالیات و توجیه دیوای است اسباب وقوع فتنه ها و جنگهای داخلی در مملکت گردیده است .

فینات سندات رومایی در بیست و پنج فلورین و نیم است .

(فرانسه)

پاریس ۷ مارس

اسهام عمومی ۲۵ غروش ۵۰ ساندیم است . سندات رومایی ۵۶ فرانک است . فینات سار اسهام در قرار سابق است .

تاحال برای مجلس تنظیلات نیجه و پنج نفر از هواخواهان جمهوری و چهل و هفت کس از مصدقان حکومت سلطنتی اعضا انتخاب شده اند .

می گویند مسیو (روه) از اعضای مجلس تنظیلات استعفا کرد .

انگلین

لندن ۷ مارس

(سردوایف) در مجلس پارلمان تكلیف کرد که قتال مصر بخاك ی طرف عنوان داده شود و گفته است اعتقاد ما این است که باین واسطه حقوق اعلیحضرت پادشاه عثمانی و جناب مستطاب خدیو و کومپانی قتال همه محافظت خواهد شد .

(ایتالیا)

روما ۷ مارس

مسیو (یانکری) برای ریاست شورای ملت نصب و تعیین کرده شد .

(پورتوگال)

(تلگرافنامهائی است که در خصوص امور)
(اتفاقیه و متعلق بخاك اسپانیا است و کازتهای)
(اروپا آنها را نوشته اند)

از شهر بامیلون در ۲۵ فوریه نوشته اند جنرال مارتیز کامپوس بانجارسید و ۱۹ فوج از قشون قارلیستان طلب امان کرده باردوی دولتی تسلیم شدند . جنرال (لاما) میگوید عساکر قارلیستان که تسلیم شده اند میگویند دون قارلو هجده فوج را که همراه او باقی مانده مرخص کرده و اذن داد اسلحه جنگ را ترك نمایند که جنگ تمام شد .

از مادرید در ۲۶ فوریه نوشته اند

کازت رسمی بیان میکند جنرال مارتیز کامپوس و جنرال (پریو دیرورا) اردوهای خود شان را یکی کرده بقیه قارلیستان را تعاقب خواهند کرد . مذکور است هم امشب دون قارلو بخاك فرانسه رفت .

از مادرید در ۲۷ فوریه نوشته اند

بقدر چهار هزار نفر از قارلیستان تسلیم شده اند . اکثر صاحب منصبان دون قارلو بخاك فرانسه گریخته اند .

از مادرید در شب ۲۷ فوریه

اعلیحضرت قرال بشهر (بامیلون) خواهند رفت اهالی شهر در تدارك پذیرائی قرا خواهند عساکر قارلیستان جنرال پرچ و وزیر جنگ خود شان را گرفته و حبس کرده اند .

بعد از آنکه دون قارلو بخاك فرانسه رفت بیاتامه نوشت که بخلافه باقی گذاشتن يك بخشی برای اسباب و اموال دست از جنگ برداشتم .

اعلیحضرت قرال بشهر (بامیلون) رسیدند چند روز در شهرها سیاحت و گشت خواهند نمود و در آن بین يك سان لشکری دیده شده رسم عرض لشکر بعمل خواهند آورد و پس از آن بقر حکومت خودشان که مادرید است خواهند رفت .

قارلیستان (اغانا) نام جنرال خودشان را بقتل رسانیده اند و بعد خودشان تسلیم باردوی دولتی شده اند .

از مادرید در ۲۸ فوریه نوشته اند

جنرال (پراو) با پنج فوج در شهر (آندیا) محاصره شده است . کازت مادرید بتلگرافنامهائی رسمی اعلان کرد که سه هزار نفر از قارلیستان بخاك فرانسه فرار کرده اند و هزار نفر در شهر (بالیکوری) تسلیم شده اند قرال دون الفونس پیاپلون رسیده اند .

از یاپون در ۲۱ فوریه نوشته اند

دون قارلو بخاك پورس کوماندان عساکر حدودیه دولت فرانسه بیان کرده بود که بخاك فرانسه فرار خواهم کرد و امروز صبحی در ساعت نه از پل (ارکوی) بخاك فرانسه داخل شد .

از یاپون در ۲۹ فوریه مینویسند

دون قارلو و کونت کازت و بعضی صاحب منصبان در یوز در ساعت هفت بشهر (مولتون) رسیده اند و از آنجا بشهر (بو) رفته اند .

دون قارلو بسمت بانگلستان خواهم رفت .

از سن ژان دهلوز ۲۹ فوریه

فرار کردن دون قارلو در ولایت ناواری زیاد باعث تعجب گردید . قارلیستان بی دریغ تسلیم می شوند .

اهالی که خانه های خودشان را ترك کرده بودند بجای خودشان برگشته اند ولی همه اموال خودشان را ضایع و خراب شده یافته اند .

✽ اخبار داخلی ✽

جناب دولتآباد راشد پاشا ناظر خارجه در شب شنبه آینده بشمعهائی دیپلماتیک خواهند کرد . و بعد از شام جی از معسیرین واعزه برای سواره (یعنی شب نشینی) مدعو خواهند بود .

✽ رسمی ✽

توشیحات اخبار که در اسلامبول طبع می شود : می بینیم درباره رؤسای روحانی که خودشان انساب بانها دارند . مقاله های تحقیر آمیز مندرج می نمایند و اینگونه فصلها را نوشتن يك نوع تعرض بامر دینداری افراد ملت های مختلفه است . و حال قاعده عادلانه حریت مذهب عامایا بدرعی شود . ملاحظه حفظ شان و اعتبار هیاتهای روحانیه نیز در ذر سلطنت سینه فوق الاماده طرف اعتنا است . لهذا انتشار این گونه مقاله ها را کردن قویا ممنوع شده و مقدر گردید . که روزنامه و نوشته اخباری که برخلاف این غرض رسمی در ضد رؤسای رومایه زبان درازی نماید . آنگونه اوراق حوادث بکلی فسخ و لغو خواهد شد .

(ایضا)

در سایه مرا حوایه جناب تاجداری مقرر شده است که عملیات آله زدن اطفال را در مکتب طیب شاهانه در حق اطفال کتاب که طالب بوده باشند مجاز اجرا نمایند . و برای این کار قرار داده اند . که بچهر روزهای جمعه و یکشنبه هر روز از ساعت چهار تا ساعت ده هر کس کسی رجوع کند قبول نموده اجرای عملیات کنند . و برای دانستن عموم مردم مبادرت باعلان مطلب کرده شد .

بیشتر کشته شدن و دخترا در يك اوغلی نوشته بودیم که حکومت در این باب لازمه تحقیقات را بعمل می آرد . اگر چه بعضی از کازتهای تفصیلی از مسورت جربان تحقیقات مینویسند و در حق حاجی واسیل نام شبیه و ظر متهمی را بقراین چند قوت میدهند لکن هنوز حقیقت این حال بالاطراف ظاهر نشده و بجای متهمی نگشته است که از روی آن اطلاع و اقی داده شود . و چون از اول مطلب تاحال مدتی فاصله در میان کار شد و مطالبان اصلاح را مایه انتظار میکرد این است که در اینجا اجالا نوشته و اظهار میکنم که هر وقت کار بجایی رسید تفصیل البته خواهیم نوشت . مفردات تحقیقات را جسته جسته در اوراق اخبار نوشتن اینقدرها لزوم ندارد .

شب چهارشنبه در حوالی ساعت هشت در يك اوغلی در دهة چهار راه در کوجه و ندیک از خانه منصرفی او بیک مصری اوغلی که در آنجا استورای نام باستجاری نیست و خانه هم کار گیر بود (یعنی چوبی نبوده از سنک و کل بود) آتش ظاهر شده سرایت بهمسایها کرده دو خانه دیگر هم سوخته و پس از آن خاموش کرده اند .

در ضمن بعضی اوراق اخبار دیده شد که از عساکه ردیفه که در ولایات سواحل دریای سیاه است و از بعض ولایتهای اناطولی امر شده است هشتاد هزار نفر ردیف جمع آوری شده آماده نمایند .

(از)

(استانبول) می نویسد : قاعده پیش گرفته آسوده و بمسالت و آمادہ جنگ باشد .

اگر چه این قاعده قاعده کلیه هم نشده بنظر کلیت و عومیه از اینکه این قاعده را

در این صورت دو هر يك نباید تدارك بعلت اینکه اگر اعت برای دولت موجب چنانکه در فقره خر شد .

در کازتهای پیش دور بیان داشتند در مطالعات را که بخیل اگر چنانکه حکومت و قبول می نمودند مبلغی چندی هم واقع می گشتن نخواهیم گفت تفصیلی را که در انکلس کرد .

این تفکرها در انکلس شده که از چند جنبه تیر یکی اینکه چند تیر باروت کرم شده و تیر کرد (دوم) ا باروغ داخل میشد (سیم) میزان نشانه و ناقص بود (چهارم) خیلی افراط و تفریط خالی کردن تفکرات توپخانه ممکن نبود تیر

دولت انگلیس که این من بوررادی تاجار و دولت کامبرج وزیر ممکن است بعض جاه کرد بطوریکه تفکرات مجلس لوردها قرار داده شود و معین کرد تفکرها عوض ک

این کار دولت انگلیس آبادات علیه عثمانیه ناریه که قاریک (تو کرد . تفکرها بی قبول گردن حال آنکه در این کار بعمل آورده اعتقاد ما این است

(از مطبوعات مجله)

(استانبول) می نویسد دولت های اروپا حالیکه قاعده پیش گرفته اند که اگر یک دولتی بخواهد آسوده و بمالت راه برود باید قدرت جنگ داشته و آماده جنگ باشد .

اگر چه این قاعده بنظر غریب می آید . و هنوز قاعده کلیه هم نشده است . لکن باید این مسلک را بنظر کلیت و عمومیت دید . و هر دولتی ناچار است از اینکه این قاعده را پیشنهاد مسلک خود سازد .

در این صورت دولت علیه عثمانیه پس از رفع غائله هر یک نباید تدارک حربیه خود را از نظر پندازد بعلت اینکه اگر امتنا و دقت باین کار نشود روز آخر برای دولت موجب مصرف زیادی خواهد گردید . چنانکه در فقره خریدن تفکهای مارتینی هستی شد .

در کارتهای پیش ما که نام اوانت تائیس و پروکره دوریان داشتند در خصوص این تفکهای بعضی مطالعات را که بنیال مارسیه بود بیان کرده بودیم . اگر چنانکه حکومت آن مطالعه ها را بنظر امان دیده و قبول می نمود مبلغی از مصارف کم میشد و اشکالات چندی هم واقع نمی گردید . ولی اکنون در این فقره سخن نخواهیم گفت تمهید در خصوص این تفکهای تفصیلی را که در انگلستان گذشته است بیان خواهیم کرد .

این تفکهای در انگلیس باز دیده و معاینه کردند معلوم شد که از چند جهت عیب و نقص در آنها موجود است . یکی اینکه چند تیر که بی دری خالی میشد خزانة باروت گرم شده و بدینجهت حرکت سوزن ممکن نمیکرد . (دوم) اگر توی کاپای سوزن کی باروت با روشن داخل میشدی اجزا خود بخود آتش می گرفت (سیم) میزان نشانهای تفکهای مذکور معیوب و ناقص بود (چهارم) در امتحانهای خالی کردن آنها خیلی افرات و تفریط مشاهده شد (پنجم) بعد از خالی کردن تفنگ اگر غضات شده تفنگ خالی در آن تو میآمد ممکن نبود بیرون آورده شود .

دولت انگلیس که این معایب و نواقصهای تفکهای مزبور را دید ناچار شد آنها را نام و کال کند . و دولت دکامبرج وزیر جنگ سابق انگلیس گفت ممکن است بعضی جاهای ماشین این تفکهای را عوض کرد بطوریکه تفنگ خود بخود آتش نکیرد . در مجلس لوردها قرار داده شد که در اینخصوص راپورت داده شود و معین گردد که ممکن است ماشین این تفکهای را عوض کنند .

این کار دولت انگلیس بود . آیا دولت علیه عثمانیه در این خصوص چه کرد ؟ تا روزیکه فابریک (تول کومبانی) اعلان افلاس کرد . تفکهای بی آنکه رسیده و امتحان شود قبول کردند حال آنکه در انگلستان آنقدر اعتنا و دقت در این کار بعمل آورده شده بود .

اعتقاد ما این است که نظارت حربیه باید بدقت

جنس تفکهای را و هم قابل عرض شدن و نشدن ماشین و غیره فلک آرا رسیده می نماید .

نیز از حالت فابریک آگاهی حاصل داشته باشد . که آیا این فابریک خواهد توانست کونترات خود را بطوریکه بادوات قرار داده است بآخر برساند یا نه ؟ و همچنین آیا امروز وضعه و تکلیف خود را از روی قرارداد بعمل آورده است یا خیر ؟ دانستن این کارها بسیار لازم است بعلت اینکه ممکن است بواسطه همین اطلاعات مقتضی بشود که حکومت خود را از حکم کونترات آزاد کرده با فابریک دیگر کونترات کند و بطور دیگر منافع و صرفه کار خود را حفظ نماید .

همچنین اگر خرج تعمیری برای این تفکهای لازم بیاید این مصرف را هم محدود و معین میتوان کرد . لکن اگر بنا بخریدن کونترات این تفکهای باشد و پشت سر هم دیگر بیاورند البته مصارف تعمیر زیاده تر خواهد بود .

در انگلستان تعمیریکی از این تفکهای در سه شلین تخمین شده است و معلوم است که در اسلامبول یکی از این زیاده تر خواهد شد . چه فابریکهای عثمانی هر قدر خوب باشد بدرجه خوبی فابریکهای انگلیس نرسیده است .

و چون تفکهای انگلیس کمی بهتر از تفکهای امریک است باید بلی مصرف تعمیر را در پنج شلین تخمین کرد .

بنا بر این اگر هشتصد هزار تفنگ که دولت سبازش کرده است تعمیر بشود . خرج این تعمیر بقدر پنج ملیون فرانک یعنی دویست و هفتاد هزار لیرای عثمانی خواهد شد .

و باور می کنیم که اگر دولت یک تفنگ دیگری را نیز این تفکهای قبول بکند . خیلی بهتر میشد و از این مصارف هم فارغ میگردد . تنها تعمیر این تفکهای که تحویل گرفته شده است اتفاقا می نمود .

چون در خاک عثمانی اکثر اهل اهل الحله استعمال می کنند و قشون عثمانی نه تازه عسکری میشوند راه استعمال کردن تفنگ را میدانند . لهذا ظن ما اینست که اگر برای عساکر عثمانیه تفنگی قرار داده شود که استعمال آن آسانتر از تفکهای هتری مارتینی باشد خیلی مفیدتر خواهد بود .

ما که خیر خواه دولت هستیم آرزوی کنیم در اینباب یک کمیسیون قرار داده شود که در اینباب مطالعات لازمه را کرده قرار می بدهند .

موافق جدول روزنامه که از جانب اداره صبحه نوشته شده است در اسلامبول و بلاد ثلثه در طرف مدت یکماه یعنی از اول ماه کانون ثانی رومی تا آخر آن بقدریک هزار و شصت و هفت نفر وفات کرده اند . که ششصد و شصت و شش نفر آنها از اسلام و دویست و سیزده از روم و صد و ده از ارمنی و باقی

دیگر از ملل مختلفه سائر از غریب و بومی بوده است و بیشتر این وفیات از ناخوش حایضی (محرقه و مطبفه) ورم یعنی (دق) و استسقا وقوع یافته و در مدت یکماه مذکور ششصد و بیست و چهار نفر را آنها سه قسم علت و باقی دیگر را علل و امراض مختلفه دیگر باعث مرگ شده است و اگر این سه را با هم دیگر موازنه کنیم آنچه از استسقا و دق کرده است خیلی بیشتر از ششصد و بیست و چهار ورم میباشد . چنانکه ذیلا نموده می شود .

۱۲۳	وفیات از اجزا در یکماه
۱۳۸	وفیات از ورم
۳۴۱	وفیات از استسقا
۴۲۳	وفیات از امراض مختلفه
۱۰۶۷	جمعا شیده

در بیست و نهم فوریه از راکوزه به (نایه فرایه پرسه) نوشته اند .

چند بیست اسلواهای اینجا آرام شده اند دیگر از قح و غلبات اهل شورش سخن نمیکوند . اهالی در اینجا دو گروه شده اند . یکی هوا خواهان قره طاع هستند . و قسم دیگر خشودی از قره طاعم اندازند و نخواهند آنها را بشناسند . این روزها در حوالی راکوزه دو جنگ معنا شده است . در این دو جنگ یکی غانده بود همه اهل شورش گرفتار و اسیر بشوند . ولی چون فرقه عساکر دولتی که از (استولیه) به (دراجوا) می آمده اند که راه پوپولیه را بگیرند یکی دیرتر رسیده است . علی هذا اهل شورش بعد از آنکه خیلی از آنها تلف شده است بطرف پوپولیه فرار کرده اند . و چون صحرای پوپولیه را آب گرفته بود اکثر اهل شورش توی آب ماندند غرق و تلف شده اند .

خارجهای اهل شورش که برای رسیده می احوال مجروحین بچینه رفته بوده اند اوضاع حاد و طمع بزرگان قره طاع را می نویسند . اغانه های را که از خارج آمده است بجای آنکه بسجروحین دانه شود مداخل خودشان قرار داده اند . رخت خوابها که از برای ناخوشها فرستاده شده است در خانه های بزرگان قره طاع برده اند . پول و آذوقه که از برای بیمارخانه فرستاده شده است جیب و شکم اعضای مجلس امارت را پر می کند .

(نایه فرایه پرسه) می نویسد بعد از آنکه فارسیستان فرار کردند علیحضرت قرال اسپانیا بشهر (طولوزا) که مرکز حکومت وارد گاه دون فارلو بود داخل شدند اهالی شهر مذکور در خانه ها و دکانهای خود شازار بسته و همه در منازل خودشان نشسته و احدی بیرون نیامده است . و از این فقره معلوم می شود اهل شهر مذکور کمال دلشکی و ناخشنودی را از مغلوب شدن دون فارلو حاصل داشته اند که در همان حالی که دون فارلو منهنم و کارش تمام شده و قرال با آن شهر می آید . همه اهل شهر در خانه ها و منازل خودشان مانند مردمان مانده نشده اند .

کازت ژاپون که با پوست آخری رسیده است اخبل ذیل را می نویسد .

اعلیحضرت (فیکارو) امپراتور بیست سال و دو ماه سال دارند . مادر ایشان سی و نه ساله است امپراتریس بیست و دو سال و هشت ماه عمر دارد . امپراتور و مادر و زوجة ایشان در پنج سرای ساکن هستند . در ژاپون هفده سرای امپراتوری غیر اینها هست که در آنها خانواده و زربنگان امپراتوری سکنا می کنند .

مقدار اهالی ژاپون سی و سه ملیون و سیصد هزار و ششصد و هشتاد و پنج نفر است که شازده ملیون و هشتصد و نود و یک هزار و هفتصد و بیست و نه کس مرد و شازده ملیون و چهار صد و هشت هزار و نه صد و چهل و شش کس زن هستند . در ژاپون بقدر سیصد هزار راعب و راهبه هست .

(لیرنا) نام کازت روما می نویسد بعضی کسان امضای قرال ایتالیا را در زیر یک کامیال دویست هزار فرانکی بساختگی نوشته و در بانک شهر پولونیا فروخته اند .

در جزائر (موسوی بن کنی) نام شخصی وفات کرده است کسین او یکصد و هفتاد سال بوده است .

دولت ایتالیا در حق جناب (غار بیالیدی) سالیانه یکصد هزار فرانک (که ده هزار تومان پول ایران است تقریبا) سال گذشته و امسال مقرری معین کرده بوده است . لکن جنرال موسوی ایله این مقرری را نه در سابق و نه برای امسال قبول نکرد و در جواب و زها در ضمن کازتهای ایتالیای در اینباب بعضی سخنها نوشته و بعضی نکاشته بوده اند که مقرری مزبور را ایشان قبول کرده اند چون انتشار این خبر مخالف سلیقه و مسلک جنرال موسوی الیه بوده و خیلی لازم دیده اند که حقیقت را اعلان و بر همه کس معلوم دارند این است کاغذی بخط خود باناره کازت ایتالیا که این مطلب را نوشته بوده است می نویسد

ترجمه کاغذ جناب غار بیالیدی روزنامه نکار فوق موسیو

این سخن را وقت ما تصدیق کرده است که دروغ بستی دزدی است و دزدی دروغ گفتن است . اگر چه تعجب نمیتوان کرد از کسانی که باور کنند مثل مزیر سالخوردی در حالتیکه بضاعت هم ندارم سالیانه یکصد هزار فرانک مقرری از دولتی بگیرم که اداره دخل و خرج آن دولت کافی نیست ولی چون من این کار را نکرده ام و این مقرری را بپذیرفته ام لازم دیدم بشما بنویسم که هر کس این سخن را گفته است دروغ گفته . و از شما هم خواهش دارم هر کسی مرتکب گفتن این دروغ شده است نام او را در ضمن روزنامه خودتان بیان نموده و معلوم بدارید که او کست .

امضا
غار بیالیدی

از مقاله کیمیای زراعت

ساده فحمی یک جسم مرکبی است تا شیره همچنین حتی هوای نسیی جسم مرکب است که گذشته از اینکه مانند گاز فحمی بعضی اجسام را دارا است تنها مولد المومنه و آژوت که در آن هست با شکاری دلیل مرکب بودن آن است . دودی که از پارچه هیزم بیرون می آید هوا نیست . و علاوه خود هیزم مرکب است حتی یک جسم مخلوطی است که زیاده از هوای نسیی مخلوط با اجزای چند است . شعله یک جسم مخصوصی نیست یک فوران ماده گازی است که درجه حرارت در آن بمقام روشنی رسییده است . و معلوم است بعضی گازها هست که بسط هستند و بعضی مرکبند که همین طور روشنی میدهند .

و بنا بر این شعله و این آتش محسوس را که ما می بینیم نباید گفت از عناصر است . در میان خاکستر بعضی ماده های مختلفه هست که بعضی از آنها را بزودی بیان خواهیم کرد . پس معلوم است که اینها عناصر نیستند آب هم مثل آنها مرکب است که مرکب بودن آن بزودی واضح خواهد شد . و علی هذا عناصری که با بطور یحط و غلط معروف شده است . اینها نیست و حقیقت کار بفراین طور است که در میان عوام الناس گفته می شود حال از بحث آب قدری بیان نمایم .

آب خند آتش است آب آتش را خاموش میکند این سخن است که هر روز می گوئیم و هیچ اشتباه نداریم که این سخن صحیح است . و خطایی ندارد . حال اینکه این سخن سهو محض است . لکن مبدا از این مطلب چنان نظر باید که آب آتش را خاموش نمیکند . ولی پیش از قبول کردن مطلب باید در حالاتی که در دکانهای آهنکاران اتفاق می افتد قدری دقت کنیم یک قدری متنبه بشویم .

آهنکار بیچاره را به بینیم که در دکان خود یک (کلچه) یعنی یک پارچه آهن خام را میخواهد سرخ کند بدست خود دم را گرفته و میسوزاند . و از شدت حرکت ازیشانی و صورتش عرق میریزد ولی می بیند آهن درست سرخ نمی شود و اوجاق خوب روشن نمی گردد . آنوقت یک چوبی دارد که بر سر آن کهنه بسته است با آن کهنه بروی آتش آب میپاشد و زغال را که میخواهد خوب روشن شود تر میکند . ولی آهنکار جادار که متغیر بشود و اوقاتش تلخ گردد . و بجهت حصول مقصود خود که آتش روشن شود تدبیری که میکند این است میان آن آب بریزد اگر آتش با شیم خیال میکنیم که بجهت این آب پاشی آتش یکلی خاموش خواهد شد . حال آنکه این ماورینست اگر دقت کنی خواهیم دید که بمحض آب پاشیدن شعله های کبود زبانه کشیده از میان آتش بیرون می آید و بمحض مس کردن با آتش یک صدای ترکیدن بیرون آمده و همچنین در زیر هوای کدم در آنجا جاری میکند حرارت بحدی زیاد شده بنامیکند بسوختن موافق مقصود آهنکار و آن آهن مانند آتش سرخ می شود . اکنون تأثیر آب را در زیاد تر کردن حرارت آتش و شکستن ترکیدن زغال و سوختن او بطور مقصود از این کار متعارفی آهنکار فهمیدیم .

(باز هست)

بورسه

غلطه	۲۶	شباط رومی
اسهام عمومی	۲۱	۲۲
استراض	۱۸۶۳	۱۳۰
۳	۱۸۶۵	۱۳۳
۳	۱۸۶۹	۱۱۸
۳	۱۸۷۲	۰۳۷
۳	۱۸۷۳	۱۱۵
فرائق	۵۵	۵۰
سنداد راه آهن روم ابلی	۵۵	۵۰

لبرای عثمانی	فروش
سوسنه جنرال	۱۶
شرکت عثمانیه	۳۰
اعتبار عمومی	۳۵
تراموای	۵۵
کیبال	فروش
لندن ۳ ماهه بهر لبرای انگلیس	۱۱۱
پاریس	۲۲
فرائق	۷۵

فینات مسکوکات لبرای عثمانی
اقرار صد فروش

فروش	پاره
لبرای انگلیس	۱۱۱
لبرای فرانسه	۸۸
امپریال	۹۰
کریمیه	۵۱
روبل (منات) نقره	۱۷
منات کاغذی	۱۴
مجیدیه	۱۰۲
بشاک	۱۰۵
متالك	۱۰۶
پول سیاه	۱۳۸

طاهر

اعانات

میسوم دیوسقوریدس نام طبیب در بالای اوزون چارسو در نزدیکی خان آکته بی در اجزاخانه ارکول تومر (۳۲۳) روزهای شب و چهارشنبه از ساعت پنج الی هفت برای مداوی و معالجه ناخوشهائی که رجوع کنند حاضر است . و بجانب آنها قبول خواهد کرد .

طبیب مومی الیه متعهد می شود . که همه اقسام ناخوشی بواسطه براسهولت و بتدابیر و مداوی حکیمانه معالجه نماید . و همچنین در ناخوشی معدیه نیز مهارت تمام خود را ابراز خواهد کرد . و بجهت مرضیهای مزبور حبی اختراع و ترتیب کرده است . که محل فروش آنها اجزاخانه مذکور فوق است . و دستور العمل استعمال آنها در ورقه مخصوصه چاپ شده در جوف قوطیهای آنهاست . قیمت

یک قوطی نیم مجیدیه است . در هر کدام از آن ورقه ها و قوطیها امضای طبیب مومی الیه نباشد ساخته و قلب است بهمین جهت دقت لازم دارد . ش . د . پ

مرثیه دوازده بند جناب سعادت مآب کاتلم باشا میرلوا از اعضای دارشورای صکری که بمجهت نعمت داران خامس آل عبا شهید کر بلا روحی له العافا و علیه الصیبه و الثنا اثری است تو بن و واسطه است برای تجدید آیین آموانین بانضمام قصیده غزلی مدحیه در حق حضرت شاه ولایت انشاد فرموده اند اینروزها طبع شده و در دکان جلیل انا در چنبر طاش و حاجی حسن آقادر باغچه قیوسی فروخته می شود .

(خرابات)

مشکل با انواع قصاید و ترکیات و ترجعات و تدبیرات و قطعات و رباعیات و غزلیات و ابیات در چهار زبان یعنی ترکی و جغتایی و فارسی و عربی که کزیده ادبی روم و شاعر مشهور و معلوم جناب ضیاء افندی از آثار و جع و اسلاف و معاصرین انتخاب در سه جلد درج کرده بود در دکان حاجی حسن افندی در جازسوی صحافان و در دکان حاجی حسن آقا تبا کوفروش در باغچه قیوسی هر جلدی به قیمت معین فروش میشود .

محل فروش اختر

دکان جلیل انا کتاب فروش در چنبر طاش . دکان حاجی حسن آقا کتاب فروش در باغچه قیوسی . دکان تبا کوفروش در اقصای نزدیک پل طولومه . مغازه کتاب فروشی بزرگ در زیر مسافر خانه عسکری . در دکان چای فروشی دم در خان والده .

کتاب مستطاب

(میزان اللوازمین فی امر الدین)

که در چند سال پیش از جانب یکی از مأمورین سفارت سنیه ایران . در خصوص محاکمه ادیان مختلفه ورد بر رساله میزان الحق نام پروتستانی تألیف . و در مطبعه عامره طبع شده است . در مغازه کتاب فروشی در تحت مسافر خانه عسکری در یک مجیدیه سفید فروش میشود .

در اداره خانه (اختر) هر نوع اوراق که بزبان فارسی و عربی و لسان و فرانسه و انگلیس و روسی و ایتالیایی و اسپانیولی باشد بترکی و از ترکی بزبانهای مذکوره ترجمه و هم نوشتن بعضی اوراق بزبانهای مذکوره قبول میشود .

(مخاطره ل اورمان)

یاخود

(قلابچیدولری)

نام رساله تیاترو بزبان ترکی از جانب ملترن آن اغوب رایج فروش میشود .

افندی ماماوسیان طبع شده در بارقه سرپل و جاهای دیگر فروخته می شود . رساله مذکوره در نهایت سلاست و شایان مطالعه نوشته شده . مرقی اخلاق و احوال انسانها تواند بود .

رساله بارقه ظفر دار بفتح اسلامبول . لید با تمار و صاف که اثر خامه یکی از ادبای مشهور است در دکان هر کتاب فروش از قرار سه غروش فروش میشود .

یک باب خانه در اسکدار در محله خرمالدین در فائق فاطمی در نمره ۱۶ فروش خواهد شد خانه مذکور در حرم و سلاطین چهارده اطاق و یک طویل و چهار چاه آب یکی شیرین و سه دیگر تلخ و بقدر هزار و هفتصد ذرع زمین بنا و بنجه دارد هر کس طالب باشد بمطبعه اختر مراجعت نماید .

هر گونه کتب و رسائل و اوراق چه بلتوغراف و چه به بیوغراف یعنی باسمه و چاپی متکی و حروفی در مطبعه (اختر) در کمال خوبی و امتیاز طبع و بقیمت و بهای مناسب و بطور مطلوب و موافق سلیقه تمام کرده میشود و همچنین هر گونه اوراق و اسناد بر تنگ ساس مختلف و خطوط متنوعه و نیز رسمهای کراوی و قریون و کات و زیت فارسی و ترکی و فرانسوی و دفاتر تجارت و هر نوع اوراق رسمیه که از جانب اداره های رسمی و دولتی امر و سپارش داده شود در نهایت امتیاز و خوبی طبع شده و باعث خشنودی خواهشمندان سیار شاهی مذکور از هر جهتی خواهد گردید . و سکه های لبطوغراف همه جور بزرگ و کوچک بقیمت مناسب بجهت فروش در اداره مطبعه موجود است .

کتاب گلستان افصح الشعرا شیخ سعدی شیرازی رجه اعلیه رجه واسعه کتابی است که در قافیه مشرق زمین در نزد عموم اهل لسان و اصحاب ذوق و فهم مسل و مقبول است و سزاوار بود که همچنان نسخه مطبوعه طبع بطور بسیار خوب و طرز مرغوب با همه شده یادگاری برای طالبان آن باشد و مدتی بود که این معنی در نظر بود ولی اسباب این مقصود حاضر نبود تا آنکه ده سال گذشته از انفاقات حسنه عالیجناب میرزا آقا المللق بصاحب قلم که از مشاهیر خطاطان ایران است بدر سعادت تشریف آورده و بحسب خواهش دوستان قبول نمودند که نسخه مذکوره را بنویسند لهذا نسخه مذکوره در کمال نفاست و خوبی با همه شده بود و چون مقصود اصلی خدمتی بمعارف بود بعد از فروخته شدن مقدار کافی از آن از قیمتش تعزیل شده اکنون نسخه های آن در مغازه کتاب فروشی در زیر مسافر خانه عسکریه بایزد . و در اقمبرای قرب پل ملو لومبا در دکان تبا کوفروش و در دکانهای جلیل انا در چنبر طاش و حسن آقا در باغچه قیوسی جلدی از قرار بیست غروش رایج فروش میشود .

مطبعه و اداره خانه در خان

مکتوبی که برای درج کاز

مکتوبی که اجرت

این کازت از

توانگری

از معنی توانگری و آنچه در مقاله نمره گذشته کی از این نوشتن و مطالعه و قنای عن بر خود مازا به و در هانجا فروش نمو از آنکه نام خود را انسان مثل و ترتیب امر معاش و خرد و آگاهی نخستین و مهالک و خطرهای و شهرها و اولاد و برادر که الان هسنیم یا کسان ما خواهند بود همه را و دیدیم که آخرین وضع بزرگ برای ما خواهد بود ابنا یجس و برادران مار آسوده نشسته ایم ؟ و این تفنن و گذاردن وقت گفتن دم از عقل اول و خردمندتر از همه میدان در خودمان تمام می دانیم و هرگز ؟ نتیجه اینهمه و کدام است .

لا پذیران و اسلاف مادر زمان باقتضای وضع زمان خ آنها و کار آنها را که نمیدان مر مشق حالات خود را و وقت را در حق خود باقتضای عقل و آگاهی . و احتیاجات وقت لازم دار سعادت یعنی دهیم اسباب فراهم بیاوریم . و کرته و چاره از دست رود . و بریشان حال گردد .

غی خواهم بعض حالات بگذارم . که حقیقه تفه افسوس بزرگی است یکراه گذاران دوروزی و راه میرویم . این همه